

460 نکته در آیین دادرسی مدنی

از سعید شاکر

منتشر شده در وبسایت حقوقی حق جو



جهت ورود به سایت حق جو **کلیک** کنید



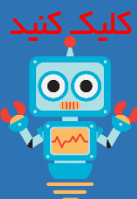
حق جو را در اینستاگرام

فالو کنید

اینجا

ربات حقوقی حق جو در تلگرام:

همین حالا با **کلیک** بر روی ربات با ما همراه شوید



نکات :

۱. طرح دعوای تصرف عدوانی و ممانعت از حق بعد از دعوای راجع به مالکیت یا اصل حق انتفاع یا ارتفاق ، **قرار رد استماع** صادر می شود .
۲. حکمی که قبلاً بر اعسار کسی صادر شد ، **دلیل اعسار فعلی او تلقی نمی شود** .
۳. در اعسار از هزینه دادرسی مدعی اعسار باید شهادت **۲ شاهد** را ضمیمه درخواست خود نماید ، و در اعسار از محکوم به شهادت **۴ شاهد** را ضمیمه درخواست خود نماید .
۴. آثار حکم قبول اعسار از هزینه دادرسی : **۱.** معافیت موقت از هزینه دادرسی **۲.** حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله .
۵. حکم اعسار **قائم به شخص است** و به ورثه منتقل نمی شود .
۶. در دعوای راجع به اموال غیر منقول و خلع ید ، هزینه دادرسی بر اساس **قیمت منطقه ای** می باشد .
۷. احضاریه گواه یا گواهان باید حداقل **یک هفته** قبل از تشکیل دادگاه به آنان ابلاغ شود
۸. **قرار رد داخواست** مواقعی که هزینه انتشار آگهی ظرف **یک ماه** از تاریخ ابلاغ اخطاریه تأدیه نشود .
۹. مواردیکه عدم تشکیل دادگاه به طرفین منتسب نباشد وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت **۲ ماه** خواهد بود .

۱۰. مبادله لوائح در مرحله تجدیدنظر خواهی ظرف **۱۰ روز** از تاریخ ابلاغ اخطاریه دادخواست و ضمائم آن .

۱۱. دعوی طاری در هر صورت در دادگاهی که به دعوی اصلی رسیدگی می کند اقامه می شود حتی اگر از صلاحیت ذاتی خارج باشد .

۱۲. انواع دعوی غیر مالی اعتباری : دعوی تصرغ عدوانی ، ممانعت از حق ، مزاحمت از حق ، افراز در صورتی که مالکیت مورد اختلاف نباشد .

۱۳. اگر تقاضای دستور موقت قبل از اقامه دعوا باشد متقاضی باید ظرف **۲۰ روز** از تاریخ صدور دستور موقت دادخواست خود را تقدیم نماید اما در تامین خواسته قبل از اقامه دعوا **۱۰ روز** از تاریخ صدور قرار تامین می باشد .

۱۴. منایط صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعوا : تاریخ تقدیم دادخواست به دادگاه است مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شود .

۱۵. هرگاه در تنظیم و نوشتن رای دادگاه سهو قلم رخ دهد : تا وقتی که از آن درخواست تجدیدنظر نشده ، دادگاه **راساً یا به درخواست ذی نفع** ، رأی را تصحیح می کند .

۱۶. قرار رد دادخواست جلب ثالث با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است . اگر این قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود ، بعد از فسخ قرار ، رسیدگی به آن با دعوی اصلی ، در دادگاهی که به

عنوان تجدیدنظر رسیدگی می نماید به عمل می آید) یک حکم استثنایی است.

۱۷. قرارهایی که قابل فرجام اند (۴ مورد): (۱) قرار ابطال دادخواست (۲) قرار رد دادخواست (۳) قرار سقوط دعوا- (۴) قرار عدم اهلیت یکی از طرفین ← مشروط بر این که اصل حکم راجع به آنها قابل فرجام باشد.

۱۸. در صورتی که درخواست ابطال رای داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

۱۹. ماده ۳۳۲ قرارهای قابل تجدیدنظر را (۶ مورد) ذکر می کند:-

(۱) ابطال دادخواست (۲) رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.

(۳) رد دعوا (۴) عدم استماع دعوا

(۵) سقوط دعوا (۶) عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.



۲۰. احکام مستند به سوگند هم قابل تجدیدنظر است و هم قابل فرجام مگر در مورد سوگند قاطع دعوا که قابل فرجام نیست.

۲۱. سبب دعوا عمل یا واقعه حقوقی است که براساس آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند

۲۲. برای جرح گواه می توان از دادگاه تقاضای استمهال کرد که مهلت آن یک هفته است.

۲۳. منظور از جرح گواه عبارت است از ادعای فقدان یک از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است.

۲۴. مصادیق اماره قضایی: (۱) معاینه محل (۲) تحقیق محلی (۳)

کارشناسی

۲۵. ضمانت عدم اجرای تهیه وسایل قرار معاینه و تحقیق محلی: اگر در مرحله بدوی باشد و قاضی نتواند بدون آن رأی صادر کند **قرار ابطال دادخواست** صادر می شود و در مرحله تجدید نظر تجدید نظر خواهی متوقف گردیده اما این امر مانع اجرای حکم بدوی نیست.

۲۶. **اظهار انکار و تردید** نسبت به سند و دلایل باید حتی الامکان **تا اولین جلسه دادرسی** به عمل آید. ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک نیز باید حتی الامکان **تا اولین جلسه دادرسی با ذکر دلیل جعل** مطرح شود مگر این که دلیل ادعا بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رأی یافت شود در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد.

۲۷. **واخواهی** مقطعی از مرحله بدوی است. پس مرحله واخواهی نداریم. چون واخواهی جزئی از مرحله بدوی است. برخلاف تجدیدنظر و فرجام، که مرحله تجدیدنظر و فرجام داریم.

۲۸. در مقطع واخواهی، **جلب ثالث** و **ورود ثالث** نیز ممکن است. اما در مقطع واخواهی امکان **طرح دادخواست تقابل نیست** (نظر دکتر شمس)

۲۹. اگر دادخواست واخواهی یا تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم شود، **دادگاه** (نه مدیردفتر) **قرار رد دادخواست** را صادر می کند.

۳۰. خواهان می تواند خواسته خود را در تمام مراحل دادرسی کم کند.

۳۱.

تأمین خواسته

۳۲. **قرار تأمین خواسته** جزء قرارهایی است که قابل اعتراض است . درخواست تأمین خواسته به طرف ابلاغ نمی شود اما وقتی قرار صادر شد خود قرار به طرف ابلاغ می شود . طرف حق دارد **طرف ده روز** در دادگاه صادر کننده قرار به این قرار اعتراض کند. (**نکته** : قرار رد تأمین خواسته قابل اعتراض در دادگاه صادر کننده قرار نیست)

۳۳. تأمین عبارت است از **توقیف مال اعم** از منقول و غیر منقول.

۳۴. قرار رد یا قبول تأمین ، قابل تجدید نظر نیست. (**نکته** : قرار رفع تأمین نیز قابل تجدید نظر نیست .)

۳۵. درخواست تأمین از دادگاهی می شود که **صلاحیت رسیدگی به دعوا** را دارد .

۳۶. تأمینی که از خواهان گرفته می شود باید به صورت **وجه نقد** باشد.

۳۷. در ضمن یک دعوا نمی توان هم تقاضای دستور موقت و هم تقاضای تأمین خواسته نمود.

۳۸. در دعاوی که مستند به : **۱. چک یا سفته یا برات ۲. اسناد رسمی ۳. دعاوی علیه متوقف خوانده نمی تواند برای تأمین خسارت احتمالی خود تقاضای تأمین کند.**

۳۹. در مواردی که عین خواسته توقیف شده باشد **تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است.**

۴۰. در موارد زیر صدور قرار تأمین خواسته نیاز به سپردن خسارت احتمالی نیست:

۱ : دعوا مستند به سند رسمی باشد.

۲ : خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

۳ : دعوا مستند به اوراق تجاری وخواست شده باشد.

۴۱. تأمین خواسته هم در دعاوی مالی و هم در دعاوی غیر مالی کاربرد دارد.

۴۲. درخواست تامین در صورتی پذیرفته می شود که میزان خواسته معلوم یا عین معین باشد.

۴۳. رسیدگی به مطالبه خسارت ناشی از تامین خواسته : ۱. مطالبه خواننده ظرف **۲۰ روز** از تاریخ ابلاغ حکم قطعی ۲. مطالبه خسارت بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می گیرد ۳. و دادگاه در وقت فوق العاده به آن رسیدگی می کند ۴. و این رای قطعی است.

۴۴. در صورتی که موجب تامین مرتفع گردد دادگاه (رأساً) **قرار رفع** تامین را خواهد داد.

۴۵. نسبت به مطالبات مشروط و معلق امکان صدور تامین خواسته نیست.

۴۶. قرار تامین در ۳ مورد به خودی خود مرتفع می شود و نیازی به قرار رفع تامین ندارد : ۱. صدور حکم قطعی علیه خواهان ۲. استرداد دعوا ۳. استرداد دادخواست.

۴۷. رسیدگی به قرار تامین خواسته فوری و خارج از نوبت رسیدگی می شود.

۴۸. در ورشکستگی چنان چه مال توقیف شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تامین باشد **درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد.**

۴۹. دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مال غیر منقول صدور قرار تامین خواسته مجاز نمی باشد ولی دستور موقت مجاز می باشد چراکه این دعوا الزام به انجام کاری است که موضوع دستور موقت است نه تامین خواسته.

۵۰. در صورتی که درخواست کننده تامین تا **ده روز** از تاریخ صدور قرار تامین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به **درخواست خوانده**، قرار تامین را لغو می نماید .

۵۱. قرار تامین خواسته جزء قرار موقت است .

۵۲. در خواست تبدیل تامین از دادگاهی می شود که قرار تامین را صادر کرده است . دادگاه باید ظرف ۲ روز به درخواست رسیدگی کند .

۵۳. از محصول املاک و باغ ها به مقدار **دو سوم** سهم خوانده در صورت تامین خواسته توقیف می شود.... و در مورد مستخدمین دولتی و شرکت های خصوصی که دارای زن و فرزند هستند **ربع و الا ثلث** توقیف می شود..

۵۴. قرار تامین خواسته نه راجع به ماهیت دعوا بوده و نه قاطع آن می باشد.

دستور موقت

۵۵. دستور موقت ممکن است : **۱. توقیف مال** **۲. انجام عمل** **۳. منع** از امری باشد.

۵۶. درخواست دستور موقت ممکن است کتبی باشد یا شفاهی .

۵۷. نسبت به حقوق مؤجل نمی توان قرار دستور موقت گرفت اما می توان قرار تامین خواسته بگیریم البته با **۲ شرط** (۱. حق مستند به سند رسمی باشد **۲. خواسته در معرض تضییع و تفریط باشد** .)

۵۸. **تشخیص فوری بودن** موضوع درخواست با دادگاهی می باشد که **صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد** .

۵۹. در صورتی که طرف دعوا تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد ، **دادگاه در صورت مصلحت از دستور موقت رفع اثر خواهد نمود** .

۶۰. چنانچه اصل دعوا در دادگاهی مطرح باشد مرجع درخواست دستور موقت، همان دادگاه خواهد بود و در غیر این صورت مرجع درخواست دستور موقت، دادگاهی می باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. (هرگاه موضوع درخواست دستور موقت، در مقر دادگاهی غیر از دادگاههای یاد شده باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می آید اگرچه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را نداشته باشد. (برخلاف تامین خواسته)

۶۱. هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع شود: **دادگاه صادر کننده دستور موقت آن را لغو می نماید** و اگر اصل دعوا در دادگاه مطرح باشد **دادگاه رسیدگی کننده**، دستور را لغو خواهد نمود.

۶۲. اگر تقاضای **دستور موقت** قبل از اقامه دعوا باشد متقاضی باید ظرف **۲۰ روز** از **تاریخ صدور دستور موقت** دادخواست خود را تقدیم کند. اما در **تامین خواسته** قبل از اقامه دعوا فرصت فوق **۱۰ روز** از تاریخ صدور قرار تامین می باشد.

۶۳. در تامین خواسته الزاماً مال توقیف می شود اما موضوع دستور موقت الزاماً توقیف مال نیست بلکه انجام عمل یا منع از عملی می باشد.

۶۴. درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی **معادل دعاوی غیر مالی است**.

۶۵. ماده ۳۲۵ مهم.

۶۶. **در هر حال** رد یا قبول درخواست دستور موقت **قابل رسیدگی فرجامی نیست**.

۶۷. اجرای دستور موقت احتیاج به صدور و ابلاغ اجرائیه ندارد.

۶۸. دستور موقت دادگاه به **هیچ وجه** تاثیری در اصل دعوا نخواهد داشت.

۶۹. در دستور موقت دادگاه **مکلف است** (**همواره الزامی است**) برای جبران خسارت احتمالی از خواهان تامین اخذ کند. (تامین ماخوذه باید به تشخیص دادگاه مناسب باشد که ممکن است وجه نقد باشد) تعیین **نوع و میزان و مهلت** تامین با دادگاه است.

۷۰. تأمین در تأمین خواسته **باید** وجه نقد باشد اما در دستور موقت ممکن است وجه نقد باشد یا مال باشد.

۷۱. هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع شود، دادگاه صادر کننده دستور موقت آن را لغو می نماید، اگر اصل دعوا در دادگاه مطرح باشد، دادگاه رسیدگی کننده، دستور لغو را خواهد داد.

۷۲. در دستور موقت چنانچه خواهان محکوم به بی حقی شود، خواننده باید ظرف **۱ ماه** از تاریخ ابلاغ رأی نهایی مطالبه خسارت نماید اما در تأمین خواسته مدت اقامه دعوا مطالبه خسارت **۲۰ روز** از تاریخ ابلاغ حکم قطعی است. (و مطالبه خسارات بدون تشریفات این دادرسی مدنی و هزینه صورت می گیرد)

۷۳. اجرای دستور موقت مستلزم تایید رییس حوزه قضایی می باشد.

تأمین دلیل و اظهار نامه

۷۴. درخواست تأمین دلیل: ۱. ممکن است در هنگام دادرسی و یا قبل از اقامه دعوا باشد. ۲. ممکن است شفاهی باشد یا کتبی

۷۵. در صورتی که تعیین طرف مقابل برای درخواست کننده تأمین دلیل ممکن نباشد، درخواست تأمین دلیل بدون تعیین طرف پذیرفته و به جریان گذاشته خواهد شد.

۷۶. اظهار نامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاه ها ابلاغ می شود.

دادخواست و شرایط آن

۷۷. هرگاه خواسته دعوا که در قسمت مخصوص دادخواست نوشته شده، با خواسته ای که در قسمت (شرح دادخواست) نوشته شده تعارض داشته باشد برای مثال اولی تخلیه ید دومی خلع ید...مدیر دفتر دادگاه، **اخطار رفع**

نقص می کند و عنداللزوم پرداخت مابه التفاوت هزینه دادرسی و در غیر این صورت دادگاه از خواهان توضیح می خواهد.

۷۸. دادخواست سندی است ، که به موجب آن از دادگاه دادخواهی می شود.

۷۹. وقت رسیدگی باید طوری تعیین شود که فاصله آن تا جلسه رسیدگی کمتر از **۵ روز** نباشد .

۸۰. در دعاوی راجع به اموال بهای خواسته از حیث قابلیت اعتراض به رأی همواره مبلغی است که خواهان تقدیم نموده اما از حیث هزینه دادرسی ممکن است این چنین نباشد. مثلاً در خصوص دعاوی راجع به اموال غیر منقول که بر اساس قیمت منطقه ای محاسبه و دریافت میشود.

۸۱. **در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول** : از نظر صلاحیت ، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می نماید. **اما از نظر هزینه دادرسی** ، بر اساس قیمت منطقه ای محسوب می شود .

۸۲. دعاوی استرداد چک دعاوی غیر مالی است .

۸۳. اعتراض به بهای خواسته **تا اولین جلسه دادرسی** مطرح می گردد.

توقیف دادرسی و استرداد دادخواست و دعوا

۸۴. در صورت توقیف یا زندانی شدن یکی از اصحاب دعوا یا عزیمت به محل مأموریت نظامی یا مأموریت دولتی یا مسافرت ضروری ، **دادرسی متوقف نمی شود ولی دادگاه مهلت کافی برای تعیین وکیل به آنان می دهد.**

۸۵. امکان استرداد دادخواست تجدیدنظر محدود به زمان خاصی نمی باشد.

۸۶. استرداد دادخواست اعتراض ثالث تا اولین جلسه دادرسی امکانپذیر است.

۸۷. در دعوی طلاق و تمکین ، با فوت خواهان دعوا متوقف نمی شود بلکه دعوا زائل می شود

۸۸. خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی ، دادخواست خود را مسترد کند در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می نماید. (و موجب زوال دعوا (دادرسی) می گردد)

۸۹. خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می کند .

نکات متفرقه

۹۰. اختلاف بین مراجع اختصاصی و بدوی اداری با سایر مراجع اختصاصی و بدوی اداری : حل آن طبق اصول با دیوان عدالت اداری است .

۹۱. حکم نهایی حکمی است که در دیوان عالی کشور ابرام شده باشد یا اصلاً قابل فرجام نباشد

۹۲. دعاوی طاری :-

(۱) ورود ثالث ← تا اعلام ختم دادرسی در مرحله بدوی و تجدیدنظر می توان مطرح کرد.

(۲) جلب ثالث ← تا پایان اولین جلسه دادرسی در مرحله بدوی و تجدیدنظر

(۳) دعوی متقابل ← تا پایان اولین جلسه دادرسی

(۴) دعوی اضافی ← تا پایان اولین جلسه دادرسی

۹۳. قرار سقوط دعوا اعتبار امر مختومه دارد .

۹۴. قرار تامین خواسته قابل تجدید نظر نیست.

۹۵. ایراد دعوای واهی در کلیه دعاوی طاری راه دارد و همچنین در درخواست های مربوط به امور حسبی نیز راه دارد.

۹۶. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می باشد مگر این که آن قوانین، خلاف شرح شناخته شود.

۹۷. در موارد ذیل دعوا زائل می شود: ۱. فوت طرف دعوای تمکین یا طلاق ۲. در دعوایی حکم قطعی صادر شود ۳. زوال دعوا نتیجه زوال حق اصلی است ۴. استرداد دعوا به طور کلی پس از ختم مذاکرات.

۹۸. دعوای افراز املاک مشاعی را که جریان ثبتی آن خاتمه یافته باشد، در صلاحیت اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک قرار دارد... و اگر جریان ثبتی آن خاتمه نیافته باشد، در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک است. (ش ۹۸، ماده ۱ قانون افراز و فروش املاک مشاع)

۹۹. چنانچه ملک به موجب تصمیم قطعیست یافته اداره ثبت، غیر قابل افراز تشخیص گردد، دادگاه عمومی، به درخواست هر یک از شرکا، دستور فروش آن را به دایره اجرای احکام دادگاه، صادر و دایره اجراء نسبت به فروش ملک بر وفق مقررات قائم مربوط به فروش اموال غیر منقول، اقدام می نماید. (ش ۱۰۰، ماده ۴ قانون افراز و فروش املاک مشاع)

۱۰۰. ترتیب اجرای آرای قطعی هیأت های تشخیص و حل اختلاف، تابع احکام و مقررات اجرای احکام مربوط به محاکم دادگستری است.

۱۰۱. دعاوی ذیل از **مصادیق دعاوی راجع به منقول** هستند (۱.الزام به تحویل مال ۲.الزام به تنظیم سند رسمی ۳.دعاوی تخلیه ید عین مستاجر ۴.مطالبه اجرت المسمی ۵.الزام مستاجر به تعمیر و...) . **مصادیق غیر منقول** : (۱.دعاوی مالکیت غیر منقول ۲.خلع ید ۳. تصرف ۴.رفع مزاحمت ۵.ممانعت از حق ۶.حق انتفاع ۷.حق تجیر ۸.اجرت المثل ۹.خسارات وارده بر مال غیر مکنقول ۱۰.تقسیم مال غیر منقول و...)
۱۰۲. ر و ر : دعاوی غیر منقول مربوط به شرکت را در صلاحیت دادگاه محل وقوع غیر منقول دانسته.
۱۰۳. دعاوی مربوط به شرکت ها باید در دادگاه محلی اقامه شود که **مرکز اصلی شرکت** در حوزه آن است .
۱۰۴. رسیدگی به قرار های عدم صلاحیت در **دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور** ، **خارج از نوبت** خواهد بود .
۱۰۵. اعتبار امر مختوم فقط ویژه احکام و قرار سقوط دعوی است که از مراجع دادگستری صادر شده باشد و فقط ناظر به منطوق رأی می باشد.
۱۰۶. رسیدگی به دلایل:

۱	دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات باتعهدات یا قرارها اقامه می شود :	تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجرا بوده است، مگر در موارد استثنایی
۲	دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می شود:	تابع قانونی است که در موقع طرح دعوا مجری می باشد.

۱۰۷. موارد مذکور **امور اتفاقی** محسوب می شوند : ۱. تأمین خواسته
۲. ورود ثالث ۳. جلب ثالث ۴. دعاوی متقابل

۱۰۸. قرار رد دادخواست جلب ثالث، با حکم راجع به اصل دعوا قابل

تجدید نظر است) پس قرار رد دادخواست جلب ثالث مستقلاً قابل تجدید نظر نیست)

۱۰۹. صدور اجرائیه بر مبنای رأی داوری که خارج از دادگاه صادر

شده است ممکن است .

۱۱۰. اقرار ورشکسته بر ضرر دیان نافذ نیست.

۱۱۱. مقر باید اهلیت استیفاء و مقرله اهلیت تمتع داشته باشد.

۱۱۲. شهادت نامه سند محسوب نمی گردد و فقط اشعار به شهادت

دارد.

۱۱۳. آثار فرجام و اعاده دادرسی :

فرجام خواهی	
در صورت لزوم به تشخیص دادگاه قبل از اجراء از محکوم له، تأمین مناسب اخذ خواهد شد.	چنانچه محکوم به مالی باشد
و به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم، محکوم علیه تأمین مناسب بدهد اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تأخیر خواهد افتاد.	چنانچه محکوم به غیر مالی باشد
اعاده دادرسی	
و امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می یابد.	چنانچه محکوم به مالی باشد
اجرای حکم متوقف خواهد شد.	چنانچه محکوم به غیر مالی باشد

۱۱۴. اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که

حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود(مثال : مانند اینکه در جریان عملیات

اجرایی، مال شخص ثالثی به عنوان مال محکوم علیه توقیف گردد که در این صورت ذی نفع باید به دادگاهی مراجعه نماید که حکم توسط آن اجرا می شود.

۱۱۵. به دعوای حقوقی علیه روحانیون در دادگاه عمومی طبق آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی رسیدگی می شود.

۱۱۶. صلاحیت به معنی حق و تکلیف مراجع قضاوتی در رسیدگی به دعاوی است.

۱۱۷. رأی دادگاه باید ظرف **۵ روز** از تاریخ صدور پاکنویس شده و به امضاء دادرسی یا دادرسان صادرکننده رأی برسد.

۱۱۸. دعوا اعسار فاقد اعتبار امر مختوم است در صورت رد دعوای اعسار مجدداً می تواند طرح کند. همچنین گزارش اصلاحی فاقد اعتبار امر مختوم است.

۱۱۹. شرایط افزایش خواسته: **۱.** با دعوای طرح شده مربوط بوده و دارای منشاء واحدی باشد **۲.** تا پایان اولین جلسه دادرسی اعلام شود. (امکان افزایش خواسته در مرحله تجدیدنظر و فرجام خواهی نیست).

۱۲۰. اگر جلسه رسیدگی برای استماع شهادت شهود باشد فاصله بین ابلاغ وقت به گواهان و جلسه دادرسی **حداقل ۷ روز** است و در صورت عدم حضور، گواه مجدداً احضار می شود.

۱۲۱. اگر مرجع استثنایی غیر دادگستری خود را صالح ندانند و دادگاه عمومی را صالح بدانند باید از رسیدگی خودداری کنند و تکلیف ارسال به دیوان عالی کشور وجود ندارد.

۱۲۲. رفع ابهام و اجمال از حکم با **دادگاه صادرکننده** و رفع اشکالات اجراء با **دادسرا** است.

۱۲۳. اگر یکی از طرفین نسبت به سند ابرازی طرف دیگر ادعای جعل و اظهار انکار و تردید همزمان مطرح کند، **دادگاه تنها به ادعای جعل رسیدگی میکند** زیرا ادعای جعل مقدم بر اظهار انکار و تردید است.

۱۲۴. **دعاوی غیر مالی ذاتی**: به آن دسته از دعاوی گفته می شود که حق اصلی مورد ادعا از حقوق غیر مالی باشد. (مانند: دعاوی نسب، زوجیت، نکاح، طلاق، رجوع در طلاق، وکالت و وصیت، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت)

۱۲۵. **دعاوی غیر مالی اعتباری**: دعاوی غیر مالی اعتباری یا دعاوی که تعیین بهای خواسته آن قانوناً لازم نیست. آن دسته از دعاوی است که اگر چه ذاتاً مالی می باشند اما قانونگذار، به هردلیلی آنها را از پاره ای جهات، در حکم دعاوی غیر مالی دانسته است. **نکته**: دعاوی مالی ذاتی، در صورتی در حکم دعاوی غیر مالی می باشند که قانونگذار تصریح کرده باشد. (مانند: ۱. دعاوی خلع ید، در صورتی که مالکیت مورد نزاع نباشد. ۲. درخواست افراز و تقسیم و فروش مال مشاع، در صورتی که مالکیت مورد نزاع نباشد. ۳. دعاوی راجع به روابط موجر و مستاجر به استثنای مطالبه اجور. ۴. دعاوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول. ۵. دعاوی تخلیه از عین مرهونه.)

۱۲۶. چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرح بداند، **پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد**.

۱۲۷. **مواد مهم**: (ماده ۲، ۸۷، ۹۸)

۱۲۸. رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور **قابل تجدید نظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شود**.

۱۲۹. فرجام تبعی نیاز به تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی ندارد.

۱۳۰. **افزایش و تغییر نحوه دعوا یا خواسته** در صورتی ممکن است که با دعوا طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا

پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد . **کاهش**

خواسته در تمام مراحل داری امکان پذیر است

۱۳۱. ادعای تهاتر، صلح، فسخ، رد خواسته دعوی متقابل محسوب

نمیشود اما ادعای معاوضه یا سازش، دعوی متقابل است.

۱۳۲. ابلاغ اوراق دعوا به شرکت ها و اشخاص حقوقی به هیچ

وجه (مطلقاً) از طریق انتشار آگهی صورت نمیگیرد زیرا این نحو

ابلاغ مختص اشخاص حقیقی است.

۱۳۳. اگر دعوایی در دادگاه عمومی در حال رسیدگی باشد و در

جریان رسیدگی به موجب قانون، رسیدگی به آن در صلاحیت

دادگاه انقلاب قرار گیرد، رسیدگی در صلاحیت دادگاه انقلاب

قرار خواهد گرفت زیرا قواعد صلاحیت ذاتی از قواعد آمره

هستند.

۱۳۴. رسیدگی قضات شورای حل اختلاف تنها از حیث اصول و

قواعد تابع آیین دادرسی مدنی است اما از حیث تشریفات تابع

آیین دادرسی مدنی نیستند.

۱۳۵. دادگاه در صورتی در عدم صلاحیت محلی می تواند به دعوی

رسیدگی کند که **اولاً** خواننده ایراد نکرده باشد و **ثانیاً** دعاوی

راجع به اموال غیرمنقول نباشد چون در خصوص اموال مذکور

دادگاه محل وقوع مال صالح است.

۱۳۶. رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دیوان عالی کشور

خارج از نوبت خواهد بود و توسط یکی از شعب دیوان رسیدگی

خواهد شد .

۱۳۷. احکام مالی دادگاه تجدید نظر غیر قابل فرجام اند.

وکالت در دعاوی

۱۳۸. در صورت استعفای وکیل ، رسیدگی و دادرسی به مدت ۱ ماه از تاریخ اخطاریه تا مراجعه یا معرفی وکیل جدید دادگاه متوقف می شود .

۱۳۹. هر یک از متداعیین می توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

۱۴۰. هرگاه دادستان استان تخلف وکیل را به دادرسی انتظامی کانون وکلا اعلام نماید اما دادرسی تخلف را قابل تعقیب نداند ، دادستان استان می تواند راساً رسیدگی به موضوع را از دادگاه انتظامی وکلا درخواست نماید .

۱۴۱. وکالت انتخابی : وکالتی که از طرف دادگاه در امور کیفری یا از طرف کانون را در امور حقوقی به وکیل ارجاع می شود .

۱۴۲. مرجع گواهی وکالتنامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران در آیین نامه وزارت دادگستری تعیین می شود .

۱۴۳. مرجع تجدیدنظر آراء دادگاه انتظامی وکلا دادگاه عالی انتظامی قضاات است .

۱۴۴. عزل و استعفای وکیل در صورتی موجب تجدید جلسه می شود که جلسه برای اخذ توضیح مقرر شده باشد .

در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه ها

۱۴۵. دعاوی راجع به ترکه متوفی : (۱) تا زمانی که ترکه تقسیم نشده [?] دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد ، رسیدگی به دعاوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین سکونت متوفی در ایران ، در حوزه آن بوده است . (۲) اگر ترکه تقسیم شده باشد [?] دادگاه محل اقامت خوانده.

۱۴۶. **اختلاف بین** مراجع اختصاصی و بدوی اداری با سایر مراجع اختصاصی و بدوی اداری : حل آن طبق اصول با **دیوان عدالت اداری است** .

موارد مربوط به قانون اجرای احکام

۱۴۷. در موارد زیر جهت اجرای حکم صدور اجراییه لازم نیست - :
(۱) در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست مانند اعلام اصالت و بطلان سند (۲) در مواردی که سازمان ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد.

۱۴۸. برای **ابلاغ اجراییه به محکوم علیه** لازم نیست تا سابقه ابلاغ جدید در پرونده اجرایی برای محکوم علیه تشکیل گردد بلکه آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجراییه سابقه ابلاغ محسوب است.

۱۴۹. اگر در صدور اجراییه اشتباهی رخ داده باشد ابطال و اصلاح اجراییه یا لغو عملیات اجرایی و استرداد مورد اجرا در صلاحیت **دادگاه صادر کننده اجراییه** است.

۱۵۰. شخص ثالث نیز می تواند به جای محکوم علیه برای استیفای محکوم به مالی معرفی کند .

۱۵۱. برگ های اجراییه باید به تعداد محکوم علیه به علاوه ۲ نسخه صادر شود : (۱) یک نسخه داخل پرونده دعوی می ماند (۲) . یک نسخه بعد از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرایی می ماند (۳) . یک نسخه موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می شود.

۱۵۲. مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه است به عنوان مال محکوم علیه **توقیف نمی شود** به شرط این که - : ۱.

متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند ۲. یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید. (نکته: در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارات محکوم له خواهد بود.)

۱۵۳. برای توقیف اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین ملاک عرف و عادت و معمول محل است. آنچه عادتاً مورد استفاده - اختصاصی زن است از آن زن و آنچه عادتاً مورد استفاده اختصاصی مرد است متعلق به شوهر و بقیه مشترک بین هر دو است.

۱۵۴. حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت های دولتی و شهرداریها، بانکها و شرکت ها - و بنگاههای خصوصی و نظایر آن: الف) در صورتی که دارای زن یا فرزند باشند یک چهارم. ب) در صورتی که دارای زن یا فرزند نباشند یک سوم قابل توقیف است.

۱۵۵. توقیف مال غیر منقولی که سابقه ثبت ندارد به عنوان مال محکوم علیه در صورتی جایز است که: (۱) محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد (۲) یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شود.

۱۵۶. هرگاه نسبت به مال منقول، غیر منقول و وجه نقد توقیف شده، شخص ثالث اظهار حق کند اگر ادعای ثالث مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف باشد توقیف رفع میشود.

۱۵۷. اجرای احکام مدنی صادره از سایر کشورها منوط است به رفتار متقابل عملی، سیاسی و قانونگذاری.

۱۵۸. برای توقیف مال غیر منقول ثبت شده فقط کافی است تا دستور بازداشت ملک در اداره ثبت اعمال گردد.

۱۵۹. شکایت شخص ثالث اجرایی در تمام مراحل **بدون رعایت تشریفات آ.د.م و بدون پرداخت هزینه دادرسی** رسیدگی میشود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ میشود. به دلایل ثالث و طرفین به هر نحو در هر محل که لازم بداند رسیدگی میکند. (ماده ۱۴۷ ق ۱۱ م)

۱۶۰. **طلب محکوم علیه از شخص ثالث در صورتی که مستند به سند رسمی باشد قابل توقیف است.**

۱۶۱. صدور اجرائیه با **دادگاه بدوی** است.

۱۶۲. حکم ابطال سند نیاز به صدور اجرائیه ندارد.

۱۶۳. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آرائی که دادگاههای عمومی در مقام رسیدگی به اعتراض معترض ثالث (ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی) صادر کرده‌اند قابل تجدید نظر است.

۱۶۴. **عدم حضور هر یک از محکوم له یا محکوم علیه مانع توقیف مال نمیشود.** ولی توقیف مال به طرفین ابلاغ خواهد شد.

اعتراض ثالث

۱۶۵. اعتراض ثالث اصلی همواره به موجب دادخواست به عمل می‌آید و اعتراض ثالث طاری **اصولاً** بدون تقدیم دادخواست به عمل می‌آید. (م ۴۲۱) (فرجام تبعی نیز نیاز به تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی ندارد.)

۱۶۶. اعتراض ثالث موجب تاخیر اجرای حکم قطعی نمی‌باشد. در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد **دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تامین مناسب قرار تاخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می‌کند.**

۱۶۷. فقط آرای صادره از دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدید نظر و رأی داور قابل اعتراض به وسیله ثالث هستند.
۱۶۸. اعتراض شخص ثالث مهلت خاصی ندارد.
۱۶۹. هزینه دادرسی اعتراض ثالث معادل هزینه فرجام است.
۱۷۰. اطلاع شخص ثالث از دادرسی قبلی و خودداری از ورود به دادرسی مانع اعتراض وی نیست.

جلب شخص ثالث

۱۷۱. هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند، می توانند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف ۳ روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او بنمایند، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدید نظر.

۱۷۲. در اعاده دادرسی ورود ثالث و جلب ثالث مجاز نیست.

۱۷۳. قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث، با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدید نظر است. در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار، رسیدگی به آن با دعوای اصلی، در دادگاهی که به عنوان تجدید نظر رسیدگی می نماید، به عمل می آید. مستقلاً قابل تجدید نظر نیست. همچنین قرار رد درخواست تامین خواسته اساساً قابل تجدیدنظر نیست و قرار رد درخواست دستور موقت نیز مستقلاً قابل تجدید نظر نیستند)

۱۷۴. هزینه دادرسی جلب ثالث، معادل دعوای اصلی است.

۱۷۵. هزینه دادرسی وارد ثالث، معادل هزینه همان مرحله ای است که ثالث در آن وارد شده است.

۱۷۶. هزینه دادرسی در دعوی تقابل، **علی الاصول مطابق هزینه دادرسی در دعوی اصلی است.** این دعوا بر خلاف ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدید نظر مسموع نمی باشد.

۱۷۷. هزینه دادرسی **اعتراض ثالث** معادل هزینه **فرجام** است.

۱۷۸. محکوم علیه غیابی باید دادخواست جلب را با دادخواست **اعتراض توأماً** به دادگاه تقدیم نماید.

ورود شخص ثالث

۱۷۹. موارد ایراد به ورود ثالث : **الف** : وارد ثالث با تبانی قصد تاخیر دادرسی را داشته باشد **ب** : بین دعوی اصلی و دعوی وارد ثالث تفاوت باشد . **ج** : ثالث نه حقی مستقلاً داشته باشد و نه نفعی در ذیحق شدن یکی از متداعیین.

۱۸۰. هر گاه دادگاه احراز نماید که **۱**. دعوی ثالث به منظور تبانی و یا تاخیر رسیدگی است **۲**. رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نمی باشد، **دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده به هریک جداگانه رسیدگی می کند.**

۱۸۱. رد یا ابطال دادخواست یا رد دعوی شخص ثالث مانع از ورود او در **مرحله تجدید نظر نیست.**

۱۸۲. اگر وارد ثالث اصلی در دعوا پیروز شود میتواند خسارات دادرسی را **از خواننده دعوی اصلی** مطالبه کند و چنانچه وارد ثالث اصلی محکوم شود، **کسی که حکم به نفع او صادر شده** می تواند از وارد ثالث خسارت دادرسی را مطالبه کند.

۱۸۳. هزینه دادرسی وارد ثالث ، معادل هزینه همان مرحله ای است که ثالث در آن وارد شده است.

۱۸۴

اعاده دادرسی

۱۸۵. اعاده دادرسی فقط نسبت به احکام قطعییت یافته ممکن است و شامل احکام غیر قطعی و قرارها نمی شود.

۱۸۶. احکام غیابی که در مهلت مقرر نسبت به آن واخواهی و تجدید نظر صورت نگرفته و قطعی شده است قابل اعاده دادرسی است.

۱۸۷. اعاده دادرسی یک از استثناعات بر قاعده فراغ دادرسی است

۱۸۸. پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی : (۱) اگر محکوم به غیر مالی باشد، اجرای حکم قطعاً متوقف می‌گردد. (۲) اگر محکوم به مالی باشد، در صورتی امکان اخذ تأمین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه پیدا میکند.

۱۸۹. ماده ۴۲۹ و ۴۳۰

۱۹۰. نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نیست.

۱۹۱. دادخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاه تقدیم می شود که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده ولی مرجع رسیدگی دادگاه صادر کننده حکم است.

۱	چنانچه اعاده دادرسی به جهت مغایر بودن دو حکم باشد :	ابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است.
۲	در صورتی که جهت دادرسی جعلی بودن اسناد یا حيله و تقلب طرف مقابل باشد :	ابتدای مهلت اعاده دادرسی ، از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حيله و تقلب می باشد.
۳	هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده :	ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن محاسبه می شود، تاریخ یاد شده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی میکند. اثبات گردد.

۱۹۲. در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوا شود. (بنابراین در اعاده دادرسی ورود ثالث و جلب ثالث ممنوع است. همچنین دعوی تقابل نیز در اعاده دادرسی ممکن نیست)

مواعد

۱۹۳. مهلت پرداخت هزینه دادرسی در مورد خواهانی که دعوی اعسار وی رد شده است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ دادنامه رد اعسار است.

۱۹۴.

حقوق و تکالیفی که مواعد آن قانونی می باشد	حقوق و تکالیفی که مواعد آن تا پایان رسیدگی دادگاه می باشد	حقوق و تکالیفی که مواعد آن تا پایان اولین جلسه رسیدگی می باشد	تکالیفی که مواعد آن تا اولین جلسه رسیدگی می باشد
۱. مهلت پرداخت هزینه انتشار آگهی: ۱ ماه از تاریخ ابلاغ. ۲. مهلت رفع نواقص از دادخواست بدوی به موجب اخطار: ظرف ۱۰ روز از ابلاغ. ۳. مهلت تادیه هزینه دادرسی در مورد خواهانی که ادعای اعسار وی رد شده است: ظرف یک ماه از ابلاغ رد دعوی اعسار	۱. مهلت استفاده از سازش برای خاتمه دادرسی. ۲. مهلت کم کردن خواسته توسط خواهان و مهلت استرداد دعوا. ۳. مهلت درخواست تامین خواسته. ۴. مهلت ورود ثالث به دعوا.	۱. مهلت بیان ایرادات و اعتراضات مگر اینکه سبب متعاقباً حادث شود: ماده ۸۷ و ۹۰. ۲. مهلت خوانده برای تقاضای ارائه اصول اسناد خواهان. ۳. مهلت خواهان برای ارائه اصول اسناد. ۴. مهلت افزایش خواسته توسط خواهان: ماده ۹۸. ۵. تقدیم دادخواست متقابل.	۱. مهلت ایراد و اعتراض خوانده به بهای خواسته: ماده ۶۲ ق.ا.د. ۴. مهلت استرداد دادخواست: ماده ۱۰۷. ۳. تعرض به اصالت سند خواهان. ۴. تعرض به اصالت سند خوانده.

	۶. درخواست و اظهار جلب و متعاقب آن. تقدیم دادخواست جلب ظرف ۳ روز از جلسه اول	
--	--	--

هزینه دادرسی

۱۹۵. در مورد هزینه دادرسی : (۱) هزینه برگه‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌گردد، جزء هزینه دادرسی است. (۲) پرداخت هزینه دادرسی علاوه بر الصاق تمبر از طریق پرداخت وجه به حساب خزانه نیز امکان پذیر است. (۳) کسی که به دلیل عدم دسترسی به اموال خود موقتاً قادر به پرداخت هزینه دادرسی نیست معسر از پرداخت هزینه دادرسی محسوب می‌گردد. (۴) هزینه دادرسی به مفهوم اخص (هزینه قرارها و احکام دادگاهها).

۱۹۶. هزینه دادرسی دعاوی غیر مالی در مرحله بدوی و تجدید نظر یکسان است .

اعسار

۱۹۷. معسر از هزینه دادرسی کسی است که : به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست .

۱۹۸. دعاوی اعسار به طور کلی باید در دادگاهی مطرح شود که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعاوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است .

۱۹۹. حکم صادره در خصوص دعاوی مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی قابل تجدیدنظر خواهی است.

۲۰۰. معاقبت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود ولی معسر می تواند در تمام مراحل (بدوی ،

تجدیدنظرو فرجام) مربوط به همان دعوا از معافیت استفاده کند.

۲۰۱. در مورد طرح دعاوی متعددی که مدعی اعسار بر یک نفر مطرح می کند حکم اعساری که نسبت به یکی از دعاوی صادر می شود قابل تسری به سایر دعاوی نیز است.

۲۰۲. اثرات فوت معسر در مراحل دادرسی : ۱. مانع جریان دادرسی نخواهد شد ۲. هزینه دادرسی از ورثه قابل مطالبه است .

۲۰۳. در هر حال حکم صادره در خصوص اعسار **حضوری** محسوب می شود .

۲۰۴. در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید **شهادت کتبی حداقل ۲ نفر** از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می باشند به دادخواست ضمیمه شود.

۲۰۵. اظهار نظر در مورد اعسار از هزینه تجدیدنظر خواهی و یا فرجام خواهی **با دادگاهی می باشد که رای مورد درخواست تجدیدنظر و یا فرجام را صادر نموده است.**

۲۰۶. تاجر مدعی اعسار باید **دادخواست ورشکستگی** بدهد.

۲۰۷. اگر معسر فوت شود ، ورثه نمی توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده نمایند .

۲۰۸. فردی که حکم اعسار وی صادر شده از پرداخت هزینه کارشناسی و پرداخت تامین مناسب برای تامین خواسته معاف نمی شود.

۲۰۹. دعوی اعسار، دعوی **غیر مالی ذاتی** است.

خسارت

۲۱۰. هم خواهان و هم خواننده میتوانند خسارات ناشی از دادرسی را ضمن تقدیم دادخواست دعوای اصلی یا در اثنای دادرسی یا بعد از دادرسی بطور مستقل مطالبه نمایند.

۲۱۱. هزینه هایی که برای اثبات دعوا یا دفاع ضرورت نداشته **نمی توان مطالبه نمود.**

۲۱۲. دعوایی که به طریق سازش خاتمه یافته باشد، حکم به خسارت نسبت به آن دعوا صادر نخواهد شد. مگر این که ضمن سازش نسبت به خسارت وارده تصمیم خاصی اتخاذ شده باشد.

۲۱۳. در مواردی که مقدار هزینه و خسارت در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده باشد، **میزان آن را دادگاه** تعیین می نماید.

۲۱۴. در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که **زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده** است در غیر این صورت **دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.**

واخواهی

۲۱۵. **در واخواهی** امکان اعتراض به بهای خواسته وجود دارد.

۲۱۶. غیابی مختص حکم است و قرار غیابی نداریم.

۲۱۷. واخواهی مقطعی از مرحله بدوی است پس ما مرحله واخواهی نداریم.

۲۱۸. نظر به اینکه واخواهی، اولین دفاعی است که خواهان از دعوا می نماید، علی القاعده خواهان باید تمامی حقوقی را که خواننده در جلسه اول دادرسی دارد، دارا باشد. (مثلاً اعتراض به بهای خواسته، طرح ایرادات، جلب ثالث، تعرض به اصالت اسناد و تعرض به سایر ادله به استثنای دعوای تقابل)

۲۱۹. چنانچه محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم ، واخواهی نماید و در رسیدگی بعدی حکم به نفع او صادر شود، خواهان ملزم به جبران خسارت ناشی از اجرای حکم اولی به واخواه است .

۲۲۰. موارد زیر مشمول حکم غیابی نیستند و همیشه حضوری محسوب می شوند : ۱. حکم اعسار از هزینه دادرسی ۲. رأی داوری ۳. دستور تخلیه عین مستاجر ۴. دستور فروش مال غیر منقول غیر قابل افراز ۵. حکم کیفری علیه طفل

۲۲۱. چنانچه رای دادگاه غیابی بوده و محکوم علیه مجهول المکان باشد ، مفاد رای به وسیله آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز یا محلی با هزینه خواهان برای یکبار به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی ، تاریخ ابلاغ رای محسوب می شود .

احکام

۲۲۲. منظور از رأی قاطع : رأی قاطع رأیی است که تکلیف دعوا را معلوم کرده که بواسطه آن پرونده از دادگاه خارج می شود ، حتی اگر اختلاف را فصل نموده و حتی اگر قابل تجدید نظر باشد .

قرارها

۲۲۳. قرار های اعدادی یا (مقدماتی) (قرار قرینه ای یا تمهیدی و ساده): قرار ای است که برای این صادر می شود که پرونده را آماده صدور رأی قاطع کند .

(۱. قرار تحقیق محلی ، ۲. قرار معاینه محلی ، ۳. قرار کارشناسی ، ۴. قرار اتیان سوگند، ۵. قرار تطبیق ، ۶. قرار اناطه، ۷. قرار استماع شهادت شهود)

۲۲۴. قرار قاطع: به قرار ای گفته می شود که با صدور آنها پرونده از دادگاه رسیدگی کننده به دعوا خارج می شود . (۱. قرار

سقوط دعوا ۲. قرار عدم استماع دعوا ۳. قرار ابطال دادخواست ۴. قرار رد دادخواست ۵. قرار رد دعوا ۶.
قرار رد در خواست)

۲۲۵. **قرار شبه قاطع** : منظور قرار های هستند که با صدور آنها،
یا پرونده از گردش رسیدگی خارج می شود. (بی آن که از
دادگاه خارج شود، مانند قرار عدم اهلیت یکی از طرفین) و یا
چنانچه پرونده از دادگاه خارج شود، همان پرونده برای رسیدگی
به شعبه یا دادگاه دیگری احاله می شود (مانند قرار عدم
صلاحیت و قرار امتناع از رسیدگی) (۱. قرار عدم اهلیت یکی از طرفین ۲. قرار
عدم صلاحیت ۳. قرار امتناع از رسیدگی)

۲۲۶. **قرار های موقتی (توقیفی)** : اصولاً اینگونه قرار ها برای حفظ
حقوق اصحاب دعوا صادر شده و تاثیری در اصل دعوا ندارد. (۱)
قرار تامین خواسته ۲. قرار تامین از اتباع بیگانه ۳. قرار درخواست دستور موقت ۴. قرار توقیف
دادرسی ۵. قرار توقف درخواست تجدید نظر ۶. قرار اناطه)

۲۲۷. در صورتی که صدور حکم و رسیدگی مستلزم انجام امری از
سوی خواهان باشد و او به این امر عمل نکند **قرار ابطال**
دادخواست صادر میشود. اگر خواهان پیش از جلسه اول
دادخواست خود را مسترد کند **قرار ابطال دادخواست** صادر
میشود.

۲۲۸. اگر در مرحله بدوی دادگاه قرار کارشناسی صادر کند و
خواهان دستمزد کارشناس را نپردازد به طوری که دادگاه بدون
نظر کارشناس حتی با سوگند نیز نتواند حکم صادر کند، دادگاه
قرار ابطال دادخواست صادر میکند و اگر در مرحله تجدید نظر
باشد دادگاه تجدید **قرار توقیف دعوا** را صادر میکند.

۲۲۹. در صورتیکه به علت عدم تهیه وسیله، اجرای قرار مقذور
نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشاء رای نماید در صورتی که در
مرحله بدوی باشد **قرار ابطال دادخواست** صادر می شود.

۲۳۰. اگر طرفین دعوا یا وکیل آنان در جلسه دادسی حاضر نشوند این امر مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه نخواهد بود، اگر دادگاه خواهان را برای ادای توضیح دعوت کند و وی در جلسه حاضر نشود و دادگاه با اخذ توضیح از خواننده هم نتواند رأی بدهد **قرار ابطال دادخواست** صادر میکند.

۲۳۱. در صورتی که با دعوت قبلی دادگاه هیچ یک از طرفین حاضر نشوند و دادگاه **نتواند** در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح، رأی صادر کند **دادخواست ابطال** می شود.

۲۳۲. اگر خواهان دعوایی مطرح کند و ثابت شود خواننده در زمان اقامه دعوا فوت نموده بوده باید **قرار عدم استماع** دعوا صادر شود و اگر ثابت شود محجور بوده **قرار توقیف دادرسی** صادر میگردد.

۲۳۳. اگر خواهان **ذینفع نباشد** یا **اهلیت قانونی** نداشته باشد یا کسی که از طرف خواهان اقامه دعوا می کند **فاقد سمت** باشد با **ایراد خواننده** **قرار رد دعوا صادر** می شود.

۲۳۴. ادعا اگر متوجه شخص خواهان نباشد یا دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد یا دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد یا مورد دعوا مشروعیت نداشته باشد از مصادیق **قرار رد دعوا** می باشد.

۲۳۵. در صورت استرداد دعوا توسط خواهان قبل از ختم دادرسی **دادگاه** **قرار رد دعوا** صادر می کند.

۲۳۶.

رجوع به کارشناس



۲۳۷. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را کتباً تقدیم دادگاه ننماید، دادگاه می تواند کارشناس دیگری تعیین کند و توافق اصحاب دعوا لازم نیست.

۲۳۸. اگر در مرحله بدوی دادگاه قرار کارشناسی صادر کند و خواهان دستمزد کارشناس را نپردازد به طوری که دادگاه بدون نظر کارشناس حتی با سوگند نیز نتواند حکم صادر کند، دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر میکند و اگر در مرحله تجدید نظر باشد دادگاه تجدید نظر قرار توقیف دعوا را صادر میکند. ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود.

۲۳۹. مدت ایداع دستمزد کارشناس یک هفته از تاریخ ابلاغ است.

۲۴۰. اعتراض به نظر کارشناس باید کتبی باشد.

۲۴۱. مهلت کارشناس برای ارائه نظر کارشناسی، یک مهلت قضایی است و کارشناس می تواند استhemال نماید.

۲۴۲. اگر یکی از اصحاب دعوا از تخلف کارشناس متضرر گردد کارشناس مسئول جبران خسارت است.

دعوی تصرف

۲۴۳. دعوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول غیر مالی اعتباری است.

۲۴۴. رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت: بدون تشریفات ایین دادرسی و خارج از نوبت به عمل می آید.

۲۴۵. دعوی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق مختص اموال غیر منقول است.

۲۴۶. دعوی تعرف عدوانی در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است.

۲۴۷. سند مالکیت در دعوی تصرف عدوانی، تنها اماره سبق تصرف است که آن هم تاب مقاومت در برابر دلیل مخالف را ندارد.

۲۴۸. در دعوی تصرف عدوانی، دادگاه وارد دلایل مالکیت نمی شود و تنها **۱. به سبق تصرفات خواهان ۲. لحوق ۳. عدوانی بودن تصرفات خواننده رسیدگی و در صورت احراز این ۳ امر، خواننده را محکوم به رفع تصرف عدوانی می نماید.** و در صورت اثبات نشدن هر یک از این ۳ امر دادگاه خواهان را محکوم به بی حقی می نماید، حتی اگر مالک ملک باشد.

۲۴۹. شکست در دعوی تصرف عدوانی مانع اقامه دعوی مالکیت نمی باشد.

۲۵۰. **ذی نفع، در دعوی تصرف عدوانی، متصرف سابق**

۲۵۱. **ذی نفع، در دعوی مزاحمت، متصرف فعلی که تصرفات او مورد مزاحمت قرار گرفته است.**

۲۵۲. **ذی نفع، در دعوی ممانعت از حق، استفاده کننده سابق از حق است.**

۲۵۳. کسی راجع به مالکیت اقامه دعوا نموده است چنانچه پس از آن اقامه دعوی تصرف عدوانی کند دادگاه **قرار عدم استماع دعوا** صادر می کند.

۲۵۴. **دعوی ممانعت از حق عبارت است از: تقاضای کسی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد.**

۲۵۵. **دعوی مزاحمت عبارت است از: دعوی که به موجب آن متصرف مال غیر منقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی**

را می نماید که نسبت به متصرفات او مزاحم است بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد .

۲۵۶. **دعوی تصرف عدوانی** عبارت است از : ادعای تصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می نماید .

۲۵۷. **دعای تصرف تنها** نسبت به اموال غیر منقول امکان پذیر است. **دعای مالکیت** هم نسبت به اموال منقول و هم نسبت به اموال غیر منقول امکان پذیر است.

۲۵۸. **دعای خلع ید:**

۱: برای اقامه دعوی خلع ید، مدرک مثبت مالکیت بلا منازع باید موجود باشد.

۲: در دعوی خلع ید به مفهوم اخص لازم است تا سند رسمی مالکیت یا حکم قطعی دادگاه مبنی بر مالکیت موجود باشد.

۳: دعوی خلع ید با دعوی تخلیه از حیث منشأ متفاوتاند. منشأ خلع ید عموماً غصب و منشأ تخلیه عموماً قرارداد است.

۲۵۹. **برای اقامه دعوی تخلیه ید مدعی باید مالک عین یا منافع** باشد. برای اقامه دعوی **تصرف عدوانی** کیفی اثبات مالکیت مدعی لازم است اما در دعوی حقوقی نیاز به اثبات مالکیت نیست و سبق تصرف کافی است.

۲۶۰. **دعوی تصرف غیر مالی اعتباری اند و به هیچ وجه قابل فرجام نیستند.**

۲۶۱. کسی که راجع به مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوا کرده است، **نمی تواند** نسبت تصرف عدوانی و ممانعت از حق، طرح دعوا نماید.

۲۶۲. هرگاه در دعوای رفع تصرف عدوانی به درخواست خواهان، دادگاه دستور موقت مبنی بر ایجاد آثار تصرف صادر کند، اجرای این دستور مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی نمی باشد، چون دستور موقت به مفهوم اخص نمی باشد. (و مستلزم اخذ تامین نیز نمی باشد)

۲۶۳. دستور موقت صادره در دعوای تصرف عدوانی با صدور رأی بدوی به رد دعوا مرتفع می گردد.

۲۶۴. اجراء آراء صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی، مستلزم قطعیت و صدور ابلاغ اجرائیه نیست.

سازش

۲۶۵. در خصوص سازش باید توجه کرد که:

الف: سازش همان عقد صلح است.

ب: سازش در خصوص منازعات احتمالی و آتی قابل طرح است.

ج: سازش میتواند بعد یا قبل از اقامه دعوا تقاضا شود.

۲۶۶. درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعوای غیر مالی

و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد

گرفت. (سازش نیازی به تسلیم دادخواست ندارد.)

۲۶۷. **در هر مرحله از دادرسی مدنی** طرفین می توانند دعوای خود را

به طریق سازش خاتمه دهند.

۲۶۸. در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده متعدد باشند، هر کدام از

آنها می تواند جدا از سایرین با طرف خود سازش کند.

۲۶۹. دادگاه بعد از توافق و سازش طرفین صرفاً **گزارش اصلاحی** تنظیم می

نماید و مفاد آن بدون صدور حکم یا قرار قابل اجرا است.

۲۷۰. از آنجا که گزارش اصلاحی رأی محسوب نمی گردد. از اعتبار امر مختوم نیز برخوردار نیست.

۲۷۱. سازش ممکن است در دفتر اسناد رسمی یا دادگاه یا خارج از دادگاه به عمل آید.

۲۷۲. درخواست صلح و سازش باید **کتباً** به عمل آید اما می تواند از **هریک از دادگاههای بدوی** باشد.

۲۷۳. در صورتی که دادگاه احراز نماید طرفین حاضر به سازش نیستند **آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد.**

۲۷۴. چنانچه سازش در حین اجرای قرار واقع شود، سازش نامه تنظیمی توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش به عمل آمده در دادگاه است.

موارد مربوط به امور حسبی

۲۷۵. اعتراض به درخواست گواهی انحصار وراثت ، در صورتی که متوفا بلاوارث تشخیص داده شود، به عهده **دادسرای مربوط** است

۲۷۶. امور حسبی فاقد اعتبار مختوم و اعتبار امر قضاوت شده اند .

۲۷۷. طبق ماده ۳۶۰ ق ا ح : علاوه بر **وارث متوفی** ، **سایر اشخاص ذی نفع** نیز حق درخواست انحصار وراثت را دارند .

۲۷۸. تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جزء آنچه در قانون تصریح شده باشد.

۲۷۹.

فرجام خواهی

۲۸۰. فرجام خواهی اثر تعلیقی ندارد و مانع اجرای حکم نیست در **این صورت: ۱.** اگر محکوم به مالی باشد قبل از اجرا به تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ خواهد شد. **۲.** اگر محکوم

به غیر مالی باشد و به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم محکوم علیه تأمین مناسب بدهد اجرای حکم به تأخیر میافتد.

۲۸۱. اگر قرار صادره در دیوان عالی به علت نقص تحقیقات نقض گردد پرونده به دادگاه صادر کننده قرار و اگر حکم صادره به علت نقص تحقیقات نقض گردد پرونده به دادگاه صادر کننده حکم فرستاده میشود.

۲۸۲. ابلاغ برگه های احضاریه در دیوان عالی کشور از طریق دادگاه بدوی صورت میگیرد.

قرار معاینه محل و تحقیق محلی

۲۸۳. اگر قرار معاینه محل و تحقیق محل صادر شود اصل قرار به طرفین ابلاغ نمی شود و فقط موضوع و وقت قرار ابلاغ می شود. اطلاعات حاصل از معاینه و تحقیق محل اماره قضایی، حجت، موجب علم قاضی و موجب اطمینان و موثر در عمل قاضی است. عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محل توسط متقاضی موجب خروج آن از اعداد دلایل وی میشود.

۲۸۴. در صورتیکه به علت عدم تهیه وسیله، اجرای قرار مقذور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشاء رای نماید در صورتی که در مرحله بدوی باشد قرار ابطال دادخواست صادر می شود. و در صورتی که در مرحله تجدید نظر باشد تجدیدنظر خواهی متوقف می شود اما این امر مانع اجرای حکم بدوی نیست.

۲۸۵. صدور قرار تحقیق محلی در کلیه دعاوی امکان دارد.

۲۸۶. قرار تحقیق محلی از قرار های اعدادی است. و مستقلاً قابل شکایت نیست.

۲۸۷. دادگاه می تواند: **راساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا** قرار معاینه محل را صادر نماید.

۲۸۸. اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی ممکن است توسط یکی از دادرسان یا قاضی تحقیق به عمل آید.

جلسه دادرسی

۲۸۹. خواهان باید اصول اسناد خود را در جلسه اول دادرسی حاضر کند. اگر در جلسه اول حاضر نکرد در صورتی که سند عادی باشد و مورد انکار و تردید طرف قرار گرفت: **الف)** اگر دلیل دیگری در دادخواست نبود، **دادخواست باطل** می شود. **ب)** اگر دلیل دیگری وجود داشت، با توجه به سایر دلایل بررسی میشود و رأی صادر میگردد.

۲۹۰. در صورتی که خوانده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه کند که دفاع از آن برای خواهان جز با ارایه اسناد جدید مقدور نباشد در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن از سوی دادگاه، مهلت مناسب داده خواهد شد.

۲۹۱. **اولین جلسه دادرسی**: جلسه ای است که موجبات رسیدگی فراهم باشد و خوانده فرصت و امکان دفاع داشته باشد.

۲۹۲. دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به **درخواست و رضایت** اصحاب دعوا **فقط برای یکبار** به تاخیر بیندازد.

۲۹۳. هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود و یا مانعی برای رسیدگی وجود داشته باشد به دستور دادگاه **نزدیک ترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد.**

۲۹۴. در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف **مدت ۲ ماه** خواهد بود.

۲۹۵. افزایش خواسته (۱. نیازی به تقدیم دادخواست ندارد. ۲. تا پایان اولین جلسه دادرسی است. ۳. حق تجدید نظر خواهی از رای بر اساس آن مشخص می شود. ۴. باید با دعوی مطروحه مرتبط و دارای یک منشاء باشند)

۲۹۶. دادگاه می تواند اشخاصی را که **موجب اختلال نظم جلسه** شوند: **اگر غیر اصحاب دعوا**، ۱. اخراج از دادگاه ۲. حبس تا بیست و چهار ساعت و **اگر از اصحاب دعوا باشد**، ۱. حبس از یک تا پنج روز نکته: این حکم فوری اجرا می شود.

۲۹۷. اگر طرفین دعوا یا وکیل آنان در جلسه دادسی حاضر نشوند این امر مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه نخواهد بود اگر دادگاه خواهان را برای ادای توضیح دعوت کند و وی در جلسه حاضر نشود و دادگاه با اخذ توضیح از خواننده هم نتواند رأی بدهد **قرار ابطال دادخواست** صادر میکند.

۲۹۸. درج عین اظهارات طرفین در صورت جلسه دادگاه **الزامی** نیست مگر در مواردی که: ۱. اظهارات آنان مشتمل بر اقرار باشد ۲. یک از اصحاب دعوا بخواهد از اظهارات طرف مقابل استفاده کند ۳. دادگاه به جهتی درج آن عبارات را لازم بداند

اختلاف در صلاحیت

۲۹۹. مرجع صالح برای حل اختلاف بین مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری، **دیوان عالی کشور** است.

۳۰۰. در صورتی که دادگاه عمومی در خصوص دعوی مطروحه اعتقاد به صلاحیت هیئت تشخیص کارگر و کارفرما مستقر در اداره کار داشته باشد پرونده برای تعیین مرجع صالح به **دیوان عالی کشور** میرود.

۳۰۱. اگر مراجع غیر دادگستری خود را صالح ندانند از رسیدگی خوداری می کنند و حق ارسال پرونده به مرجع دیگری را ندارند.

۳۰۲. چنانچه دادگاه عمومی، قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دیوان عدالت اداری صادر کند باید پرونده را به دیوان عدالت اداری بفرستد و در صورت اختلاف در صلاحیت بین دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی حل اختلاف در دیوان عالی کشور به عمل می آید.

۳۰۳. در صورتی که اختلاف در صلاحیت بین دادگاه بدوی حوزه یک استان با دادگاه تجدیدنظر حوزه استان دیگر محقق شود، حل آن به موجب تبصره ماده ۲۸ با دیوان عالی کشور است (در صورتی که هر دو در یک استان باشند نظر مرجع علی لازم الاتباع است یعنی تجدید نظر)

نیابت قضایی

۳۰۴. موارد اعطای نیابت، نیابت فقط برای رسیدگی به دلایل است اموری مانند صدور حکم و تصحیح حکم را شامل نمی شود.

۳۰۵. مرجع عمومی نمی تواند اختیارات خود را به مراجع اختصاصی نیابت دهد، عکس این موضوع در صورتی ممکن است که در قانون پیش بینی شده باشد.

۳۰۶. نیابت قضایی خارجی در صورتی است که بین دو کشور قرار داد تعاون قضایی یا معامله متقابل وجود داشته باشد.

۳۰۷. شرایط اجرای موضوع نیابت دادگاه خارجی در ایران: ۱. به شرط معامله متقابل ۲. انجام مورد نیابت مخالف با موازین اسلام نباشد ۳. انجام مورد نیابت بر خلاف قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

تجدید نظر خواهی

۳۰۸. قرار تحقیق و معاینه محل در دادگاه تجدید نظر توسط رئیس دادگاه یا به دستور او توسط یکی از مستشاران اجرا می شود .

۳۰۹. در مواردی که مبنای رای دادگاه فقط گواهی گواه یا معاینه محل باشد توسط قاضی صادر کننده رای انجام خواهد شد مگر اینکه که گزارش مورد وثوق دادگاه باشد .

۳۱۰. چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدید نظر خود را مسترد نماید، مرجع تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدید نظر را صادر می نماید.

۳۱۱. چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نماید، مرجع تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می نماید .

۳۱۲. اگر در مرحله نخستین رأی حضوری صادر شود و در تجدید نظر الزام به حضور، و حضور نیابند: رأی حضوری

۳۱۳. اگر در مرحله بدوی رأی غیابی صادر شود و در تجدیدنظر الزام به حضور، و حضور نیابند: رأی غیابی، و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم علیه قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدید نظر می باشد، رأی صادره قطعی است. (اصل بر این است که رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر حضوری است)

۳۱۴

ابلاغ

۳۱۵. در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید : بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی می شود. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه



باشد .

۳۱۶. ابلاغ به کارکنان دولت ، موسسات مأمور به خدمت عمومی : در محل کار آنها به کارگزینی قسمت مربوطه یا نزد رئیس کارمند ارسال می شود. و این ابلاغ واقعی است.

۳۱۷. در صورت امتناع مخاطب از گرفتن اوراق ، نسخه دوم در محل الصاق و نسخه اول به دفتر دادگاه عودت داده می شود(ابلاغ قانونی)

۳۱۸. هرگاه ورقه قضایی توسط بخش‌داری یا شوارای اسلامی یا اداره زندان به مخاطب تسلیم و رسید دریافت شود، این ابلاغ، **ابلاغ واقعی** است، زیرا مراجع مذکور قانوناً مسول اجرای امر ابلاغ هستند.

۳۱۹. چنانچه مأمور ابلاغ تاریخ ابلاغ را در اخطاریه قید نکند **ابلاغ باطل** است.

۳۲۰. در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در **محل سکونت یا محل کار** او به عمل می‌آید.

۳۲۱. چنانچه مقررات ابلاغ رعایت نشده اما مخاطب به موضوع ابلاغ عمل نموده باشد، ادعای عدم آگاهی شنیده نمی‌شود.

اسناد

۳۲۲. پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن سند پذیرفته نمی‌شود، ولی بلعکس چنانچه پس از تردید یا انکار سند، ادعای جعل شود فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد.

۳۲۳. صاحب سند در مقابل تردید یا انکار، سند خود را استرداد نموده است در این صورت **استرداد سند، دلیل بطلان آن نخواهد بود.**

۳۲۴. ادعای جعل در مورد تمام اسناد اعم از عادی یا رسمی امکان پذیر است ولی ادعای تردید و انکار در مقابل اسناد رسمی یا عادی که اعتبار سند رسمی را دارند ممکن نیست.

۳۲۵. اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی الامکان باید **تا اولین جلسه دادرسی** به عمل آید.

۳۲۶. خارج نویسی نمودن دفاتر تجاری اصحاب دعوا توسط شخصی که دادگاه مامور می‌نماید به عمل می‌آید.

۳۲۷. جعل مفادی سند فقط نسبت به اسناد رسمی راه دارد.

۳۲۸. اگر امضاء یک سند عادی در یک دعوا مورد انکار واقع گردد ولی اصالت سند اثبات گردد، امضا آن نمی تواند اما مفاد آن می تواند اساس تطبیق قرار بگیرد.

۳۲۹. اگر نسبت به خط یا مهر و امضاء **سند عادی** تعرض شود سپس اصالت آن توسط کارشناس یا به هر دلیل دیگر احراز شود دیگر آن سند نمی تواند اساس تطبیق قرار گیرد هرچند که حکم به اصالت آن داده شده است اما مفاد سند می تواند اساس تطبیق قرار گیرد.

۳۳۰. اگر نسبت به خط یا مهر و امضاء **سند رسمی** تعرض شود و سپس اصالت آن توسط کارشناس یا به هر دلیل دیگر احراز شود **آن سند می تواند اساس تطبیق قرار گیرد.**

۳۳۱. چنانچه مدعی جعلیت سند در دعوی حقوقی، شخص معینی را به جعل سند مورد استناد متهم کند، **دادگاه به ادعا جعل و اتهام جاعل رسیدگی می کند.**

داوری

۳۳۲. در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نمایند اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن **۳ ماه** و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

۳۳۳. رأی داور در حکم سند عادی است.

۳۳۴. دعاوی غیر قابل ارجاع به داوری: ۱. ورشکستگی ۲. اصل نکاح، طلاق، فسخ، نسب.

۳۳۵. ارجاع دعاوی شرکت های دولتی و عمومی به داوری نیاز به تصویب مرجع خاصی ندارد بلکه ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی نیاز به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس دارد.

۳۳۶. طرفین دعوا می توانند دعاوی خود را **در هر مرحله ای از دادرسی اعم** از بدوی و تجدید نظر به داوری یک یا چند نفر داور ارجاع نمایند.

۳۳۷. داوران در رسیدگی و صدور رأی تابع قواعد آیین دادرسی مدنی نیستند اما باید مقررات داوری را رعایت کنند.

۳۳۸. داور می تواند در صورت ضرورت اقدام به جلب نظر کارشناس نماید اما حق جلب کارشناس را در صورتی که اخذ توضیحاتی لازم باشد ندارد.

سوگند

۳۳۹. در دعاوی بر میت پس از اقامه بینه ، سوگند خواهان نیز **لازم است** و در صورت امتناع از سوگند ، حق وی ساقط می شود.

۳۴۰. اگر کسی که باید سوگند یاد کند برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد دادگاه **می تواند** به اندازه ای که موجب ضرر طرف نشود به او یک بار مهلت دهد.

گواهی

۳۴۱. **هریک** از طرفین دعوا می تواند برای جرح شهود طرف مقابل مهلتی حداکثر **۷ روزه** مطالبه کند.

۳۴۲. اصل نکاح با گواهی ۲ مرد یا ۱ مرد و ۲ زن.

۳۴۳. اصل طلاق با گواهی ۲ مرد. یا ۱ مرد و ۲ زن.

۳۴۴. گواهی که برابر قانون احضار شده است، چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد **دوباره احضار خواهد شد** (و اگر حاضر نشود جلب نمی شود)

۳۴۵. در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود **الزام به آن ممنوع است**.

۳۴۶. رجوع از شهادت موجب بی اثر شدن شهادت می شود.

دعوای متقابل

۳۴۷. دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم گردد.

۳۴۸. اگر خواهان، دعوای متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خواننده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود **تأخیر جلسه** را درخواست نماید.

۳۴۹. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست متقابل همانند مقررات دادخواست اصلی است.

۳۵۰. **شرایط دعوای متقابل**: ۱. از طرف خواننده علیه خواهان ۲. حداکثر تا پایان اولین جلسه دادرسی اقامه شود ۳. با دعوای اصلی ناشی از یک منشاء بوده یا با آن ارتباط کامل داشته باشد.

۳۵۱. مجلوب ثالث نیز می تواند نسبت به اقامه دعوا متقابل علیه جالب اقدام کند مگر اینکه جالب او را برای تقویت موضع خود جلب نموده باشد.

۳۵۲. طرح دعوای متقابل از جانب اصحاب دعوا علیه وارد ثالث در صورتی مجاز است که ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل باشد.

۳۵۳. طرح دعوای متقابل از سوی خواننده همانگونه که در برابر دعوای اصلی امکان پذیر است، در برابر دعوای اضافی نیز ممکن است.

۳۵۴. چنانچه دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوای متقابل را نداشته باشد: ۱. اگر صلاحیت ذاتی نداشته باشد، قرار عدم صلاحیت صادر و حسب مورد به دادگاه صالح یا دیوان عالی کشور می فرستند ۲. ولی اگر صلاحیت محلی نداشته باشد در صورتی که ذاتاً صالح باشد به دعوای متقابل نیز توأم با دعوای اصلی، رسیدگی و علی الاصول اقدام به صدور رأی واحد می نماید.

۳۵۵. در دعوی متقابل چنانچه دعوی اصلی زائل شود موجب زوال دعوی متقابل نیست.

۳۵۶. هزینه دادرسی در دعوی تقابل، **علی الاصول مطابق هزینه دادرسی در دعوی اصلی است.** این دعوا بر خلاف ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدید نظر مسموع نمی باشد.

۳۵۷. طرح دعوی متقابل در مرحله واخواهی و تجدیدنظر مسموع نیست.

۳۵۸. مجلوب ثالث می تواند دعوی متقابل طرح نماید.

اخذ تامین از اتباع دولتهای خارجی

۳۵۹. درخواست اخذ تامین از اتباع دولتهای خارج، فقط از **خواننده تبعه ایران و تاپایان جلسه اول دادرسی** پذیرفته می شود.

۳۶۰. در صورتی که خواهان دعوا از اتباع بیگانه بوده و در مدت مقرر از سوی دادگاه تأمین نداده باشد، **به تقاضای خواننده قرار رد دادخواست صادر می شود.**

۳۶۱. دادگاه نمی تواند راساً قرار تامین اتباع بیگانه صادر کند اما در صورت طرح از سوی طرف دیگر، دادگاه مکلف به پذیرش است.

نکات تکمیلی

۳۶۲. مهمترین صلاحیت اداره ثبت **رسیدگی به دعوای افراز اموال غیر منقول** است .
۳۶۳. دادرسی دیوان عالی کشور : ریاست این دادرسی بر عهده **دادستان کل** می باشد که توسط **رئیس قوه قضائیه** برای **۵ سال** انتخاب می شود.
۳۶۴. محکمه عالی انتظامی قضات از **۳ نفر قاضی** به انتخاب **رئیس قوه قضائیه** تشکیل می شود .
۳۶۵. تقدیم دادخواست **شرط لازم برای شروع رسیدگی به دعواست** نه از شرایط اقامه دعوا .
۳۶۶. چنانچه دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد از قبیل هبه بدون قبض ، دادگاه **قرار رد دعوا** صادر می نماید .
۳۶۷. حکم رفع تصرف عدوانی چون در دعوای غیر مالی صادر می شود قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است البته درخواست تجدید نظر مانع اجرای حکم نمی باشد .
۳۶۸. **دعای غیر مالی** را می توان به **دعای غیر مالی ذاتی و غیر مالی اعتباری** تقسیم کرد، دعای غیر مالی ذاتی به دعای گفته می شود که حق اصلی مورد ادعاز حقوق غیر مالی باشد مانند نسبت.....اما دعای غیر مالی اعتباری آن دسته از دعوای است که اگر چه ذاتاً مالی هستند اما قانونگذار آنها را در حکم دعای غیر مالی دانسته است .
۳۶۹. **از جمله دعوای غیر مالی اعتباری** : **۱. دعوای خلع ید در صورتی که مالکیت مورد نزاع نباشد** **۲. درخواست افراز و فروش اموال مشاع** **۳. دعوای راجع به روابط موجر و مستأجر** **۴. دعوای مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی** .
۳۷۰. **دعای اعسار** از جمله **دعای غیر مالی** است .

۳۷۱. دعاوی راجع به ترکه متوفی : این دعاوی در محل آخرین اقامتگاه متوفی اقامه می شود و چنانچه مشخص نباشد در دادگاه آخرین محل سکونت متوفی در ایران اقامه می شود .

۳۷۲. قوانین سازمان های قضایی و قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ما سبق **شده** و شامل دعاوی مطروحه نیز میگردد .

۳۷۳. قوانین (آ.د.م) به معنای اخص نیز اصولاً سیری فوری داشته و عطف به ماسبق **گردیده** مگر در مواردیکه به حقوق مکتسبه افراد خلی وارد آورد .

۳۷۴. مرجع حل اختلاف بین دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی دیوان عالی کشور **است** .

۳۷۵. تا زمانی که خبر عزل به وکیل نرسیده اقدامات وی در حدود وکالت موثر در حق موکل است .

۳۷۶. موارد غیر قابل توکیل : ۱. سوگند ۲. شهادت ۳. اقرار ۴. لعان ۵. ایلاء

۳۷۷. رابطه بین درخواست و دادخواست **عموم و خصوص مطلق** است .

۳۷۸. درخواست در خصوص **امور غیر ترافیعی** است ولی دادخواست برای **امور ترافیعی** است .

۳۷۹. شرایطی که ضمانت اجرایی آن رد فوری دادخواست است : **اگر نام و اقامتگاه**

خواهان در دادخواست مشخص نباشد.....در این صورت ۱. هیچ گونه خطاری به

خواهان داده نمی شود ۲. چون این قرار توسط مدیر دفتر صادر می شود به این

قرار، قرار رد فوری دادخواست دفتری می گویند ۳. ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است

۳۸۰. تاریخ رسید دادخواست به **دفتر دادگاه (دفتر کل)** ، تاریخ اقامه دعوا محسوب

می شود .

۳۸۱. مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید **فوری** آن را ثبت کند. منظور از فوری ، **اولین زمان ممکن برای انجام این کار است** .

۳۸۲. صدور دستور تعیین وقت توسط قاضی به **منزله تکمیل دادخواست** است

۳۸۳. **قرار رد دعوا و قرار عدم استماع** از **حیث آثار یکی** هستند .

۳۸۴. خوانده در زمان تقدیم دادخواست باید در **قید حیات** باشد ، در غیر این صورت **قرار عدم استماع** صادر می شود .

۳۸۵. شرایط اعتراض به بهای خواسته : ۱. **تا اولین جلسه دادرسی مطرح شود**. ۲. **اعتراض موثر در مرحله بعدی باشد** ۳. **خوانده، رقم مورد نظر خود را اعلام کند** .

۳۸۶. اگر **دعوا مالی ولی راجع به اموال غیر پول** یا حقوق مالی باشد، در این صورت بهای خواسته **مبلغی است که مدعی، به دلخواه در دادخواست معین می کند** .

۳۸۷. **هزینه دادرسی در دعوای غیر مالی** : **چه در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدید نظر ۵ هزار ریال** است.

۳۸۸. **هزینه دادرسی در دعوای مالی** : **در مرحله بدوی** ، خواسته تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال ، **یک و نیم درصد** و نسبت به مازاد بر ۱۰ میلیون ریال **۲ درصد** است . **در مرحله تجدیدنظر** ، در این مرحله هزینه دادرسی نسبت به ارزش محکوم به حکم صادره احتساب می شود و **سه درصد** است .

۳۸۹. در حقوق ایران ذکر **جهات حکمی** (مستندات قانونی) توسط خواهان الزامی نیست اما ذکر **جهات موضوعی** الزامی است .

۳۹۰. قرار رد دادخواست مدیر دفتر در هر حال **حضوری** محسوب می شود .

۳۹۱. دادخواستی که از آن رفع نقص می شود **از تاریخ تقدیم آثار خود را دارد** نه از تاریخی که رفع نقص می شود .

۳۹۲. بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه دادرسی **معاف است** اما شرکت های تابعه این بنیاد از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیستند .

۳۹۳. دعوای اعسار ، **دعوای غیر مالی** است . معسر از پرداخت هزینه دادرسی معاف است . و این هزینه **از صندوق دادگستری** پرداخت می شود . اما از پرداخت **تأمین در دستور موقت و تأمین خواسته معاف نیستند** چون حقوق اشخاص ثالث مطرح است . اگر معسر فوت کند ورثه او نمی تواند از حکم اعسار استفاده کند .

۳۹۴. در اعسار **حکم غیابی نداریم** .

۳۹۵. ابلاغ اوراق به شرکتها منحل شده که دارای مدیر تصفیه نیستند باید **به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی** که به اداره ثبت شرکتها معرفی شده ابلاغ شود .

۳۹۶. ابلاغ از طریق آگهی برای **کلیه اشخاص حقوقی منتفی** است .

۳۹۷. **ابلاغ اوراق از اصول دادرسی** محسوب می شود در حالی که **چگونگی ابلاغ از تشریفات دادرسی** محسوب می شود .

۳۹۸. در مرحله فرجام ، چون رسیدگی شکلی است **کاهش خواسته نداریم** .

۳۹۹. کاهش خواسته موجب استرداد هزینه دادرسی نمی باشد .

۴۰۰. توقیف دادرسی در دعوی اصلی ، **دعوای تقابل را توقیف می کند** .

۴۰۱. آثار اعلام ختم دادرسی ۱. **صدور رای قاطع در همان جلسه یا ظرف یک هفته** ۲. **عدم امکان اقامه ادعا یا دلیل جدید** .

۴۰۲. اگر رأی راجع به **ماهیت دعوای قاطع آن بصورت کلی یا جزئی باشد** ، **حکم** و در غیر این صورت **قرار** است .

۴۰۳. حکم غیابی فقط در **خصوص احکام** داریم ، نه قرارها . پس قرار غیابی نداریم .

۴۰۴. در امور غیر ترافیعی ، حکم غیابی نداریم . مثل غالب امور حسبی که چون غیر ترافیعی است، حکم غیابی نداریم .

۴۰۵. **قرار عدم اهلیت** مستقلاً قابل تجدیدنظر و فرجام است .اما قرار عدم صلاحیت مستقلاً قابل شکایت نیست .

۴۰۶. به موجب قانون **تجدید مهلت قانونی** در مورد اعتراض به حکم غیابی و تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی و.... **ممنوع است** .

۴۰۷. چنانچه در اعلام موعد سهو و خطایی شده باشد ، **دادگاه مهلت جدید خواهد داد**.

۴۰۸. ابلاغ به مخاطبی که در زندان است ، **توسط اداره زندان** نیز ، ابلاغ واقعی است .

۴۰۹. **اعتراض ثالث و اعاده دادرسی** ، مرحله دادرسی محسوب نمی شود .

۴۱۰. **تغییرعنوان دعوا** اختصاص به مرحله **بدوی** داشته و شامل مرحله استیناف نیست.

۴۱۱. خواهان می تواند **تا اولین جلسه دادرسی** ، **دادخواست خود را مسترد کند**. در این صورت دادگاه **قرار ابطال دادخواست** صادر می نماید .

۴۱۲. خواهان می تواند **مادامی که دادرسی تمام نشده دعوای خود را استرداد کند** . در این صورت دادگاه **قرار رد دعوا** صادر می کند.

۴۱۳. استرداددعوا **پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا** در موردی ممکن است که یا **خواننده راضی باشد** و یا **خواهان به طور کلی از دعوای خود صرف نظر کند** . در این صورت دادگاه **قرار سقوط دعوا** صادر خواهد کرد .

۴۱۴. ماده ۱۸ ث : اگر معترض پس از تقدیم عرض حال **در مدت ۶۰ روز** دعوای خود را تعقیب نکرد محکمه مکلف است به تقاضای مستدعی **ثبت قرار اسقاط دعوای** اعتراض را صادر نماید .

۴۱۵. جلسه تحقیق محلی و معاینه محل نیز ، جلسه دادرسی شمرده می شود .
۴۱۶. ارائه اصل فقط در صورت درخواست طرین دعوا الزامی است و اگر طرف دعوا اصل را مطالبه نکند دادگاه نمی تواند راساً مطالبه کند .
۴۱۷. نسبت به سند رسمی ادعای انکار و تردید پذیرفته نیست و فقط ادعای جعل پذیرفته می شود .
۴۱۸. نسبت به سند عادی ادعای انکار و تردید و جعل پذیرفته می شود .
۴۱۹. اولین جلسه دادگاه : اولین جلسه ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خواننده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان را داشته باشد .
۴۲۰. چنانچه خواهان اصل مستندات را ارائه نکند و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد دادخواست ابطال می شود .
۴۲۱. دادگاه در صورت اعلام ختم دادرسی باید ظرف یک هفته رای را انشاء و اعلام کند .
۴۲۲. طرح ادعا جدید و استناد به دلیل جدید پس از ختم دادرسی ممنوع است .
۴۲۳. رای دیوان عالی کشور حکم شمرده نمی شود ولی آراء دیوان عدالت اداری حکم شمرده می شود .
۴۲۴. رای دادگاه باید ظرف ۵ روز از تاریخ صدور پاکنویس و به امضاء دادرسی برسد .
۴۲۵. فقط احکام دادگاه، غیابی محسوب می شود بنابراین قرار در هیچ صورتی غیابی شمرده نمی شود .
۴۲۶. از بین قرار های قاطع دعوا فقط قرار سقوط دعوا از اعتبار امر قضاوت شده بهره مند است .
۴۲۷. بهای خواسته در صلاحیت دادگاه و امکان شکایت از رأی و هزینه دادرسی موثر است.

۴۲۸. در مرحله واخواهی ، اقامه دعوی متقابل ممنوع است .
۴۲۹. تجدید نظر ، یکی از طرق شکایت اصلاحی است .
۴۳۰. واخواهی ، یکی از طرق شکایت عدولی است .
۴۳۱. چنانچه دعوایی هم جنبه کیفری داشته باشد و هم جنبه مدنی و جنبه کیفری آن قابلیت تجدیدنظر داشته باشد ، جنبه مدنی نیز قابلیت تجدیدنظر دارد .
۴۳۲. قرار عدم اهلیت نیز قابل تجدیدنظر است .
۴۳۳. طرح دعوی اضافی و متقابل در مرحله تجدیدنظر ممنوع است .
۴۳۴. ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدید نظر مجاز می باشد .
۴۳۵. ورود ثالث و جلب ثالث در رسیدگی فرجامی مجاز نمی باشد .
۴۳۶. ورود ثالث در دعوی اعاده دادرسی مجاز نمی باشد .
۴۳۷. رای وحدت رویه : رسیدگی به دعوی مطالبه حق بیمه در صلاحیت سازمان تأمین اجتماعی است و مرجع شکایت از تصمیم سازمان تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری است .
۴۳۸. رای وحدت رویه : با توجه به قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها و نظر به صراحت آن قانون صدور حکم به قلع و قمع بنای غیر مجاز به عنوان تکلیف قانونی وظیفه دادگاه صادر کننده حکم کیفری بوده و نیازی به تقدیم دادخواست نیست .
۴۳۹. ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود .
۴۴۰. چنانچه دادگاه احراز نماید که منظور از اقامه دعوا ، تأخیر در انجام تعهد یا ایذای طرف و یا غرض ورزی بوده ، خواهان را در ضمن صدور حکم یا قرار ، به تأدیه ۳ برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم می نماید .

۴۴۱. شرایط دعوی متقابل : ۱. دعوی متقابل را خوانده باید علیه خواهان اقامه نماید . ۲. دعوی متقابل باید با دعوی اصلی وحدت منشأ یا ارتباط کامل داشته باشد . ۳. دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود . ۴. دعوی متقابل به موجب دادخواست اقامه می شود.

۴۴۲. دعوی ورود ثالث باید با تقدیم دادخواست باشد. مهلت ورود ثالث چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده می باشد . ۴۴۳. برای جلب ثالث باید تا پایان اولین جلسه دادرسی جهات و دلایل اظهار شده و ظرف ۳ روز از اولین جلسه ، دادخواست تقدیم شود . شخصی که ثالث را جلب می نماید باید یکی از اصحاب دعوا باشد . هزینه دادرسی جلب ثالث ، معادل دعوی اصلی در همان مرحله است .

۴۴۴. (در جلب ثالث) شخص ثالث که جلب می شود خوانده محسوب می شود (در ورود ثالث) در ورود ثالث شخص ثالثی که وارد دعوا می شود خواهان محسوب می شود .

۴۴۵. استرداد دادخواست : خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند . دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می کند..... استرداد دعوا : خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده است ، دعوی خود را مسترد کند . دادگاه قرار رد دعوا صادر می کند .

۴۴۶. هرگاه خواهان به طور کلی از دعوا صرف نظر کند قرار سقوط دعوا صادر می شود .

۴۴۷. دستور موقت : ۱. هرگاه تعیین تکلیف نسبت به موضوع و اموری فوریت داشته باشد ، ۲. هرگاه ذی نفع درخواست نماید. ۳. دستور موقت اقدامی تبعی است و موقت شمرده می شود . ۴. و منوط به اخذ تأمین است. (میزان تأمین به صلاحدید

دادگاه واگذار شده) ۵. اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است. ۶. دستور موقت با صدور رای بدوی مرتفع نمی شود. ۷. دستور موقت به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوا ندارد. ۸. درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیر مالی است.

۴۴۸. قرار رد درخواست دستور موقت مستقلاً (به تنهایی) قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست. قرار دستور موقت هم مانند قرار رد درخواست قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نمی باشد.

۴۴۹. تأمین خواسته : ۱. قرار تأمین خواسته ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ به طرف قابل اعتراض است ۲. قرار تأمین خواسته قابل اعتراض شخص ثالث نیز می باشد. ۳. قرار رد تأمین خواسته قابل هیچ گونه شکایت نمی باشد. ۴. برای صدور تأمین خواسته میزان خواسته باید معلوم باشد. و خواسته باید عین معین یا کلی در معین باشد.

۴۵۰. تأمین دلیل : تأمین دلیل برای حفظ آن است و تشخیص درجه ارزش آن در موارد استفاده با دادگاه است.

۴۵۱. دادگاه می تواند تأمین دلیل را به دادرسی علی البدل یا مدیر دفتر دادگاه ارجاع دهد مگر در مواردی که فقط تأمین دلیل مبنای حکم دادگاه قرار گیرد در این صورت قاضی صادر کننده رأی باید شخصاً اقدام نماید.

۴۵۲. در صورتی که تعیین طرف مقابل برای درخواست کننده تأمین دلیل ممکن نباشد درخواست تأمین دلیل بدون تعیین طرف پذیرفته و به جریان می افتد.

۴۵۳. درخواست تأمین دلیل ممکن است در هنگام دادرسی و یا قبل از اقامه دعوا باشد. و همچنین درخواست تأمین دلیل می تواند کتبی یا شفاهی باشد.

۴۵۴. هرگاه طرفین دعوا وسیله اجرای قرار معاینه محل و تحقیق محلی را در مرحله بدوی مهیا نسازند که بدون آن قاضی نتواند رأی صادر کن ، **قرار ابطال دادخواست** صادر می شود .در صورتی که در مرحله تجدید نظر باشد تجدیدنظر خواهی متوقف گردیده اما این امر مانع اجرای حکم بدوی نیست .

۴۵۵. در صورت عدم ایداع دستمزد کارشناس از سوی خواهان در مرحله بدوی ، دادگاه نیز نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند رأی صادر کند ، **قرار ابطال دادخواست** صادر می شود .

۴۵۶. رسیدگی به دعوی تصرف **تابع تشریفات آ.د.م نیست** و **خارج از نوبت** به عمل می آید .

۴۵۷. بر علیه مستاجر نمی توان دعوی تصرف عدوانی مطرح کرد، **مگر بعد از انقضاء مدت و ارسال اظهار نامه.**

۴۵۸. در حق الله شهادت بر شهادت **پذیرفته نیست** اما در حق الناس پذیرفته می شود.... تشخیص ارزش شهادت با دادگاه است .

۴۵۹. در صورتی که دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد ، **قرار رد دعوا** صادر می شود .

۴۶۰. در قرار اناطه صادر شده اگر خواهان ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا نکند و رسید به دفتر دادگاه تسلیم ننماید ، **قرار رد دعوا** صادر می شود .

سعید شاکر

موفق باشید